



رعایت ادب گفتاری نسبت به غیرمسلمانان و مقدسات آنان از منظر قرآن و روایات

یدالله حاجی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

چکیده

توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) در چگونگی برخورد با غیرمسلمانان و مقدسات آنان از آن جهت که می‌تواند موجب تأسی به ایشان در برخورد با آنان شود و در بهبود رفتارهای ما تأثیر داشته باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. در قرآن و روایات راهکارهای ارزنده‌ای در چگونگی برخورد با غیرمسلمانان عرضه شده که تبیین آنها می‌تواند الگوهای شایسته‌ای را در اختیار ما قرار دهد. سوالی که در این جا مطرح است این است که آموزه‌های قرآنی و روایی چه توصیه‌هایی نسبت به غیرمسلمانان و مقدسات آنان دارند؟ بررسی آیات قرآن کریم و توجه به روایات و سیره پیشوایان دین (ع) که در منابع متقدم تاریخی و غیرتاریخی ثبت شده، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد هم قرآن کریم و هم پیامبر (ص) و ائمه (ع) از بدزبانی و دشنام به غیرمسلمانان و مقدسات آنان نهی کرده‌اند و تلاش کرده‌اند پیروانشان را به گونه‌ای تربیت کنند که رفتارهای آنان احساسات منفی غیرمسلمانان را تحریک نکند و موجب تنش، کینه‌توزی و انتقام‌جویی نشود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، پیامبر (ص)، امامان شیعه (ع)، روایات، بدگویی، دشنام.

مقدمه

پیروی از قرآن کریم و آموزه‌هایی که توسط پیشوایان دینی به ویژه حضرت محمد(ص) و ائمه اطهار(ع) تبیین شده، از بایسته‌هایی است که می‌تواند موجبات سعادت و خوشبختی افراد را فراهم سازد و صلح و امنیت را در جامعه اسلامی و جهانی به ارمغان آورد. در قرآن کریم و به تبعیت از آن در روایات پیامبر اکرم(ص) و امامان شیعه(ع)، دستور العمل‌های فراوانی به منظور هدایت و راهنمایی مسلمانان آمده است. قرآن کریم دین اسلام را تنها دینی می‌داند که همگان می‌بایست از آن پیروی کنند (آل عمران، ۱۹).^۱ در واقع دین اسلام از منظر قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) و امامان(ع)، آخرین و کامل‌ترین دینی است که باید همگان خود را تسلیم دستوراتش کنند و زندگی خویش را بر اساس آموزه‌های آن هماهنگ سازند. بنابراین از منظر قرآن کریم و پیشوایان دینی، سایر ادیان و مذاهب، نسخ شده‌اند و پیروان آن ادیان باید از آخرین دین پیروی نمایند و مسلمان شوند. حال این سوال مطرح می‌شود که با وجود همه این امور، آیا قرآن و اهل بیت(ع) اجازه می‌دهند پیروانشان به پیروان سایر آیین‌ها و ادیان و مذاهب و مقدسات آنان بدگویی و سب و شتمی داشته باشند؟ فرضیه‌ای که جهت پاسخ به این سوال مد نظر است این است که هم قرآن و هم پیشوایان دینی، علی‌رغم اذعان به نسخ سایر ادیان و علی‌رغم مبارزه با مظاهر شرک و بت‌پرستی، از هرگونه دشنام و بدزبانی به غیرمسلمانان و مقدسات آنان پرهیز داده‌اند و پیروان خویش را به عفت در گفتار سفارش کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

در کتاب «امامان شیعه وحدت اسلامی» نوشته علی آقانوری بیشتر به سفارشات درون دینی اهل بیت(ع) در مواجهه با اهل سنت توجه شده و به رعایت ادب گفتاری نسبت به غیرمسلمانان توجه چندانی نشده است (آقانوری، ۱۳۸۸، سرتاسر). در مقاله «الگوی تربیتی قرآن کریم در مواجهه با مخالفان و دشمنان (مطالعه موردی آیه ۱۰۸ سوره انعام)» نوشته سمیرا قربانخانی و علی

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» هر چند مقصود از واژه «اسلام» در این آیه تسلیم شدن در برابر فرامین الهی است و به طور خاص دین اسلام مقصود نیست، اما تردیدی نیست که پس از بعثت پیامبر اکرم(ص) و نزول آیات قرآن کریم، «اسلام» در پیروی از آن حضرت تعین یافت. چرا که آموزه‌هایی که توسط پیامبر اکرم(ص) در قالب وحی و غیر وحی مطرح شد، آخرین دستورات الهی به شمار می‌رود و همگان لازم است در برابر آخرین دستورات تسلیم شده و آن را بپذیرند (رک: مطهری، ۱۳۷۷).

اسودی، تنها یکی از آیات قرآن کریم که در آن از بدگویی به مقدسات غیرمسلمانان نهی شده، مورد توجه قرار گرفته و به سایر آیات و به سفارشات پیشوایان دینی توجه نشده است. (قربانخانی و اسدی، ۱۴۰۰: ۲۹-۳۸) در مقاله «سب و فحاشی در فقه با بررسی آیه ۱۰۸ سوره انعام» که به قلم ناهید دهقان عقیفی نوشته شده، همانند مقاله قبلی، تمرکز بر آیه ۱۰۸ سوره انعام است. در این مقاله نویسنده تلاش کرده، حکم فقهی سب و فحاشی را نیز با استناد به آیه مذکور، پاره‌ای از روایات و قاعده حرمت تسبیب به حرام بیان کند. (دهقان عقیفی، ۱۳۹۹: ۱۶۳-۱۸۱) فاطمه ابادزیپور و مصطفی خرمی در مقاله واکاوی دشنام در کلام معصومین(ع)، تنها به برخی از مواردی که ائمه(ع) نسبت به برخی از افراد بدگویی کرده‌اند، توجه کرده‌اند و این موارد را مصداق دشنام و سب نمی‌دانند. (رک: ابادزیپور و خرمی، ۱۴۰۰: ۹۷-۱۱۰). در کتب فقهی نیز در ابواب مختلفی چون باب السباب و باب البذاء برخی از روایات نهی از فحش و بدگویی به غیرمسلمانان به صورت مواد خام مطرح شده‌اند. به اعتقاد فقیهان، حرمت ناسزاگویی، با همه ادله اربعه ثابت می‌شود. انصاری، المکاسب، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ روحانی، منهاج الفقاهه، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۷۴. مگر آنکه شخص به سبب بدعت یا اظهار گناه مستحق آن باشد. انصاری، المکاسب، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۲۶. به همین سبب فقیهان سب کافران و مخالفان را جایز اما قذف آن‌ها را ممنوع اعلام کرده‌اند. نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۲ش، ج ۲۲، ص ۶۲۶؛ انصاری، المکاسب، ۱۴۱۱ق، ج ۱۷، ص ۲۳۹. مقاله واکاوی سب و لعن از دیدگاه مذاهب اسلامی و مقاله تاملی در جواز و عدم جواز سب دشمنان اهل بیت ع هم داللود شوند. بنابراین تاکنون نوشتاری که در آن با استناد به آیات قرآن کریم و سخنان و سیره پیشوایان دینی، چگونگی برخورد با غیرمسلمانان و مقدسات آنان ترسیم شده باشد، به نگارش درنیامده و این نوشتار می‌کوشد، در این راستا گام بردارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ادب گفتاری

مقصود از ادب گفتاری، حفظ زبان، رعایت ادب و نزاکت در کلام و پرهیز از سب و مصادیق آن همچون دشنام، بدگویی، سخنان زشت، ناسزاگویی و فحاشی نسبت به دیگران است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲۵/۸) نکته‌ای که در این نوشتار بایسته ذکر و توجه است اینکه «سب» در معنا و مفهوم با «لعن» - که بارها در قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع) درباره عده‌ای از مخالفان و منحرفان به کار رفته - متفاوت است. سب از منظر لغویون به معنای شتم، دشنام، فحاشی و کلام زشت است، (ابن

درید، ۱۹۸۸: ۱/ ۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۴۵۵) اما لعن به معنای طرد و دور شدن از رحمت الهی است. (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲/ ۹۴۹؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۶/ ۲۱۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/ ۳۹۰) تفاوت این دو واژه در فرهنگ واژگان قرآن کریم و روایات با یکدیگر آشکار است. در قرآن واژه سب در معنای دشنام و ناسزا به کار رفته و از آن نهی شده است (انعام، ۱۰۸) اما لعن به معنای دوری از رحمت الهی، در مجموع ۴۱ بار در قرآن به کار رفته است. کافران، منافقان، تکذیب کنندگان، کتمان کنندگان حق و پیمان شکنان از جمله کسانی هستند که قرآن کریم آنان را مورد لعن قرار داده است. (رک: بقره ۱۵۹، نساء، ۵۳ و ۹۱، آل عمران ۶۱ و ۷۸، مائده ۶۴ و ۱۳، احزاب، ۶۴ و ۵۷، هود ۱۸ و ۶۰، نور ۲۳، توبه ۶۸، محمد ۲۲) در قرآن کریم لعن با نام و نشان تنها درباره شیطان به کار رفته است. «وَإِنَّ عَلَيْنَكَ لَغُنْتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص، ۷۸) در سنت هم ضمن اینکه از سب، شتم، بدزبانی، فحش، ناسزا و سخنان زشت نهی شده، روایات فراوانی هست که پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیشوایان دینی، منافقان، کافران، ظالمان و قاتلان اهل بیت (ع)، غالیان، مرجئه و... را لعن کرده‌اند. (رک: کلینی، ۱۳۶۲: ۸/ ۲۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۰۰؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۱۰۸)

۲-۱. مقدسات

مقدسات جمع مقدس است و مقدس از ریشه قدس به معنای پاک، پاکیزه، پاکی، محترم و شایسته احترام است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/ ۱۸۸۲۶؛ معین، ۱۳۶۴: ۴/ ۴۲۹۱) مقدسات در اصلاح به چیزهایی که نزد برخی از انسان‌ها محترم باشد و یا به تعبیری اموری که نزد عده‌ای در خور ستایش و احترام باشد اطلاق می‌شود. باید توجه داشت که تقدس و پاکی امری نسبی است به این معنا که ممکن است چیزی در نزد مذهب و قومی مقدس به شمار رود، اما همان چیز نزد مذهب و قومی دیگر از تقدس و احترام برخوردار نباشد. به تعبیری مصادیق مقدسات، به معتقدات انسان در آیین و مذهب خود بستگی دارد. همانند تقدس برخی از جانوران، اوقات، آلات، بت‌ها و... در میان جوامع مختلف. (دهقان عفیفی، ۱۳۹۹: ۱۶۶-۱۶۷. درگاهی، ۱۳۹۹: ۳۴)

۳-۱. غیرمسلمانان

غیرمسلمانان در تعریفی مختصر، به معنای کسانی که دین اسلام را نپذیرفته و در سلک مسلمین وارد نشده‌اند، اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب هستند. اهل کتاب عمدتاً شامل مسیحیان و یهودیان می‌شوند. زرتشتیان نیز عمدتاً به اهل کتاب ملحق شده‌اند. (ر. ک: عمید زنجانی، ۱۳۶۲: ۲۵-۲۶) مسلمانان با تأسی از روش پیامبر اکرم (ص) در برخورد با مجوس هَجر بحرین که آنان را در زمره اهل کتاب پذیرفته بود، (کلینی؛ ۱۳۶۲: ۳/ ۵۶۷) با زرتشتیان ایران نظیر اهل کتاب

برخورد کردند و از آنان جزیه پذیرفتند (ر. ک: بلاذری، ۱۹۸۸: ۷۸؛ قدامة بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۲۵؛ ابویوسف قاضی، ۱۳۹۹: ۶۷ و ۱۳۰). امام علی (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز در روایاتی بر اهل کتاب بودن زرتشتیان تأکید کرده‌اند. (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۰۶. صدوق، ۱۴۱۳: ۵۳/۲؛ کلینی؛ ۱۳۶۲: ۵۶۷/۳) فقهای مسلمان نیز به جواز اخذ جزیه از مجوس فتوا داده‌اند و از آنجا که اخذ جزیه و عقد ذمه به اهل کتاب اختصاص دارد، پی می‌بریم که مجوس نیز در زمره اهل کتابند. (جباران؛ ۱۳۸۳: ۱۱۸) اهل کتاب بودن صابئین^۱ اختلافی است (رک: کلاتری؛ ۱۴۱۶: ۷۳؛ جباران؛ ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۳۴) در قرآن کریم واژه صابئین همواره در کنار یهود و نصاری آمده است. (بقره: ۲۶، مائده: ۷۲، حج: ۱۷) شواهدی وجود دارد که مسلمانان- حداقل از اوایل سده سوم هجری به بعد- صابئین را نیز در زمره اهل کتاب پذیرفته بودند.^۲ غیر اهل کتاب نیز شامل بت‌پرستان، دهریون، بی‌دینان، پرستندگان اجرام آسمانی و... هستند.

۲. آموزه‌های دینی و رعایت ادب در برابر غیرمسلمانان

در قرآن کریم و در سخنان و سیره پیشوایان دینی بر رعایت ادب حتی در برابر دشمنان و غیرمسلمانان تأکید شده است. بی‌شک هدایت دیگران و دعوت آنان به دین اسلام، متوقف بر برخورد شایسته و همراه با ادب و نزاکت می‌باشد و هرگز نمی‌توان با دشنام و بدگویی، کسی را از مسیر انحرافی و نادرست بازگرداند. در ادامه آموزه‌های قرآنی و روایی به ترتیب در این خصوص مطرح شده است.

۲-۱. رعایت ادب در برابر غیر مسلمانان در قرآن کریم

قرآن کریم که بر اجتماعی بودن انسان‌ها تأکید دارد، (حجرات، ۱۳) مسلمانان را به خوش گفتاری، رعایت ادب و نرمی در سخن در برابر دیگران از جمله در برابر غیرمسلمانان فراخوانده و از دشنام و بدگویی برحذر داشته است.

۲-۱-۱. خوش گفتاری، رعایت ادب و نرمی در سخن

در یکی از آیات قرآن آمده است: «وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» به بندگانم بگو:

۱. صابئین دو فرقه بوده‌اند. فرقه‌ای از آنان ستاره‌پرست بودند و در بابل و کلدیه قدیم زندگی می‌کردند. فرقه‌ای دیگر به نبوت حضرت یحیی (ع) قائل بودند. (خاتمی؛ ۱۳۷۰: ۱۴۳).

۲. وقتی مامون بر ستاره‌پرستان حزانی سخت گرفت که باید پیروی یکی از ادیان الهی باشید، رای آنان بر این قرار گرفت که خود را صابئی معرفی کنند. (ابن ندیم، بی‌تا: ۴۴۶)

«سخنی بگویند که بهترین باشد». (اسراء، ۵۳) در اینکه مقصود از کلمه «عبادی» در این آیه بندگانِ مشرک هستند یا مومنان، اختلاف است. برخی از مفسران معتقدند با توجه شأن نزول آیه و با توجه به این که در آیه تعبیر «عبادی» به کار رفته و این کلمه معمولاً برای مومنان به کار می‌رود، مقصود از عبادی مؤمنان هستند. (ر. ک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰ / ۲۷۶-۲۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۱۵۸-۱۵۹. طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۵۰) در این صورت مقصود آیه این است که بندگان خداوند در گفت و گو و بحث با دیگران می‌بایست، از بهترین سخنان در کلام خویش استفاده کنند. یکی از مفسران می‌نویسد: «این آیه به مومنان روش بحث با دشمنان را می‌آموزد چرا که گاهی مؤمنان تازه کار، طبق روشی که از پیش داشتند، با هر کس که در عقیده با آنها مخالف بود به خشونت می‌پرداختند و آنها را صریحاً اهل جهنم و عذاب و شقی و گمراه می‌خواندند و خود را اهل نجات و این سبب می‌شد که مخالفان يك حالت منفی در برابر دعوت پیامبر(ص) به خود بگیرند. از این گذشته تعبیرات توهین‌آمیز مخالفان نسبت به پیامبر مانند مسحور، مجنون، کاهن و شاعر، گاهی سبب می‌شد مؤمنان عنان اختیار را از دست بدهند و به مقابله با آنها در يك مشاجره لفظی خشن برخیزند و هر چه می‌خواهند بگویند. از این رو قرآن مؤمنان را از این کار باز می‌دارد و دعوت به نرمش و لطافت در بیان و انتخاب بهترین کلمات را می‌کند تا از فساد شیطان بپرهیزند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۱۵۸-۱۵۹).

در مورد دیگری قرآن کریم از مسلمانان درخواست دارد در برابر بدی‌ها و کینه‌توزی‌های دیگران، مقابله به مثل نکنند و اگر به این دستور عمل کنند، نتایج ثمربخش و شگفت‌آور آن را مشاهده خواهند کرد. در سوره فصلت آمده است: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» با روشی که نیکوتر است بدی‌ها را دفع کن، در این حال کسی که میان تو و او دشمنی است آن چنان نرم می‌شود که گویی دوست گرم و صمیمی است. (فصلت، ۳۴) این آیه نشان می‌دهد در هنگام مشاهده هرگونه بدرفتاری از دیگران، (اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان) «مقابله به ضد» و در پیش گرفتن طریق محبت، رافت و گذشت، تاثیر فوق‌العاده‌ای در نرم کردن دل‌های آنان دارد. (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰ / ۲۶) همین روش را پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) در برابر غیرمسلمانان اعم از یهودیان، مسیحیان، مشرکان و دیگر غیرمسلمانان در پیش گرفته‌اند و شاهد تاثیرات شگفت این نوع برخورد هستیم. همچنین قرآن کریم به جدال احسن با غیرمسلمانان از اهل کتاب سفارش کرده است. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» با اهل کتاب جز به روشی که از همه بهتر است، مجادله نکنید. (عنکبوت، ۴۶) از منظر مفسران

«تعبیرِ «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، تعبیر بسیار جامعی است که تمام روش‌های صحیح و مناسب مباحثه را شامل می‌شود، چه در الفاظ، چه در محتوای سخن، چه در آهنگ گفتار، و چه در حرکات دیگر همراه آن. بنابراین مفهوم این جمله آن است که الفاظ شما مؤدبانه، لحن سخن دوستانه، محتوای آن مستدل، آهنگ صدا خالی از فریاد و جنجال و هر گونه خشونت و هتک احترام، همچنین حرکات دست و چشم و ابرو که معمولاً مکمل بیان انسان هستند همه باید در همین شیوه و روش انجام گیرد. اینها همه به خاطر آن است که هدف از بحث و مجادله برتری جویی و تفوق طلبی و شرمنده ساختن طرف مقابل نیست، بلکه هدف تاثیر کلام و نفوذ سخن در اعماق روح طرف است، و بهترین راه برای رسیدن به این هدف همین شیوه قرآنی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹۹/۱۶).

نرمی در گفتار، دیگر سفارشی است که در برخی از آیات قرآن در برابر غیرمسلمانان و مخالفان بر آن تاکید شده است. خداوند هنگام فرستادن حضرت موسی و برادرش هارون (ع) نزد فرعون، به عنوان شخصیتی طغیان‌گر، به آن دو پیامبر الهی دستور داد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد. (طه، ۴۴) حضرت هود (ع) نیز با اینکه از سوی قومش به عنوان فردی سفیه و دروغ‌گو خوانده شد، با نرمی با آنان سخن گفت و فرمود سفاقتی در من نیست و من فرستاده خدایم. (اعراف، ۶۷)

۲-۱-۲. پرهیز از دشنام

قرآن کریم از دشنام‌گویی به مقدسات مشرکان نهی کرده است و بیان می‌کند که این کار موجب عکس‌العمل آنان خواهد شد. در آیه ۱۰۸ سوره انعام آمده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۰۸) (به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند. آنچه در منابع درباره شأن نزول این آیه نازل شده، حکایت از بدگویی برخی از مسلمانان نسبت به بت حکایت دارد که تهدید به عکس‌العمل یا عکس‌العمل مشرکان را در پی داشته است. (واحدی، ۱۴۱۱: ۲۲۴، ۲۲۵). روایتی از امام صادق (ع) نیز همین امر را بیان کرده است. در این روایت آمده است: چون مومنان در زمان رسول خدا (ص) به خدایان مشرکان (بت‌ها) دشنام می‌دادند و این امر سبب عکس‌العمل آنان شده بود، خداوند- با نزول آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» مومنان را از این عمل نهی کرد تا کفار نیز خداوند را سب نکنند. (قمی، ۱۳۶۳: ۲۱۳/۱) آنچه از مفاد این آیه برداشت می‌شود این است که سب و دشنام به بت‌ها به جهت عکس‌العملی که دارد، به نوعی سب و دشنام به خدای اهان‌کننده به شمار می‌رود. امام صادق (ع) در تفسیر همین آیه می‌فرماید: آنان را

دشنام ندهید چرا که در این صورت آنان نیز به شما دشنام خواهند داد. (صدوق، ۱۴۱۴: ۱۰۷) بر اساس این آیه و تفسیری که از آن ارائه شده، سب و بدگویی به مقدسات کافران سبب می‌شود آنان نیز از روی جهالت، کینه و خشم به مقدسات اسلامی بدگویی کنند. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «این آیه یکی از ادب‌های دینی را خاطرنشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود، چون این معنا غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع نموده با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدسات آنان وادار سازد، و چون ممکن بود مسلمین به منظور دفاع از حریم پروردگار بت‌های مشرکین را هدف دشنام خود قرار داده در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکین را نیز وادار سازد که حریم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند لذا به آنان دستور می‌دهد که به خدایان مشرکین ناسزا نگویند، چون اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضة به مثل به ساحت قدس ربوبی توهین کنند در حقیقت خود مؤمنین باعث هتک حرمت و جسارت به مقام کبریایی خداوند شده‌اند». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷/ ۴۳۴) از کلام علامه طباطبایی استفاده می‌شود مسلمانان در صورتی که می‌خواهند مقدساتشان محفوظ مانده و کسی متعرض آنان نشود، بایستی ادب در گفتار را رعایت کنند و از سخنان زشتی که عموماً سبب عکس‌العمل غیرمسلمانان می‌شود، پرهیز کنند. به تعبیر دیگری هر چند کافران و مشرکان و مقدسات آنان دارای حرمت نیستند، اما در عین حال نباید به آنان و مقدساتشان بدگویی کرد و دشنام داد چرا که آنان از روی جهالت به مسلمانان و مقدسات آنان بدگویی خواهند کرد. در آیه ۶۳ و ۶۴ سوره فرقان نیز از بندگان خداوند رحمان خواسته شده از کنار جاهلان با بی‌اعتنایی و بزرگواری گذر کنند. «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳-۶۴)

۲-۲. رعایت ادب در برابر غیر مسلمانان در آموزه‌های نبوی

قرآن کریم از ویژگی‌های اخلاقی رسول اکرم (ص)، بر نرم‌خویی و عدم غلظت در گفتار و رفتار تاکید کرده (آل عمران، ۱۵۹) و خلق عظیم آن حضرت را به همگان یادآور شده است. (قلم؛ ۴) در روایات نیز اشاره شده که آن حضرت بددهن و ناسزاگو نبوده است. از انس بن مالک نقل شده است: «لم یکن رسول الله سباً ولا لعناً ولا فحاشاً» (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۶/۶) آن حضرت حتی در سخت‌ترین شرایط، زبان به بدگویی دشمن نگشوده بلکه از خداوند درخواست هدایت آنان را دارد. در جنگ احد علی‌رغم همه مصائبی که بر رسول خدا (ص) وارد شد و حتی عموی خویش حمزه سید الشهدا (ع) را از دست داد و در همین زمان یاران آن حضرت خواستار نفرین دشمنان بودند، باز

هم دعای آن حضرت این بود «اللهم أهد قومي فإنهم لا يعلمون». (قاضی عیاض، ۱۴۰۹: ۱۰۵/۱؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ۳۹۸/۲) آن حضرت با این ویژگی‌های اخلاقی و به عنوان کسی که همگان باید آن حضرت را اسوه و الگوی خویش قرار دهند، هر چند در مواردی به لعن کسانی پرداخته که سزاوار لعن بوده‌اند، اما اهل بدزبانی، دشنام‌گویی، فحاشی و سخنان ناروا نسبت به دیگران نبوده است. رسول اکرم(ص) در مواردی به صورت کلی از دشنام‌گویی و بدزبانی نهی کرده است. آن حضرت در حدیثی بدترین افراد را کسی می‌داند که تهمت‌زن، بد اخلاق، بدزبان و دشنام‌گو باشد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۹۲/۲) در حدیث دیگری آن حضرت از حرمت بهشت برای دشنام دهنندگان بدزبان و کم‌حیا سخن گفته است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۲۳/۲) علاوه بر این آن حضرت بارها مسلمانان را از دشنام دادن و بدگویی به مقدسات غیرمسلمانان بر حذر داشته است. گفته شده آن حضرت پس از جنگ بدر از یاران خویش خواست حتی به جنازه‌های مشرکان هم دشنام ندهند چرا که این امر زندگان (بستگان آنان) را اذیت می‌کند. سپس آن حضرت در پایان حدیث دشنام‌گویی را فرومایگی خواندند. (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۰: ۱۷۸). پس از فتح مکه نیز رسول خدا(ص) مسلمانان را از دشنام دادن به پدر عکرمه بن ابی جهل نهی کرد آن حضرت فرمود: «عکرمه در حالی که ایمان آورده است به سوی شما می‌آید، مواظب باشید که به پدرش دشنام ندهید؛ زیرا دشنام به میت، بازماندگان را آزار می‌دهد و ضرری به میت نمی‌زند». (طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۱/۱۱؛ واقعی، ۱۴۰۹: ۸۵۱/۲) رسول خدا(ص) در این حدیث بدگویی به نزدیکان غیرمسلمانان را سبب آزار دیدن آنان دانسته و از مسلمانان خواسته از دشنام‌گویی به ابوجهل-که شاید از سرسخت‌ترین و متعصب‌ترین دشمنان و آزاردهندگان رسول خدا(ص) و مسلمانان بوده- خودداری کنند.

کلینی از امام باقر(ع) نقل کرده که فرزند یکی از سران شرک، اسلام آورده و در رکاب پیامبر(ص) بود. یک بار ابوبکر در حضور او پدر مشرکش را لعنت کرد، که او خشمگین شد و به ابوبکر پاسخی تند داد. در آن هنگام پیامبر(ص) - به عنوان یک سیره‌ی همیشگی- فرمودند: «وقتی مشرکان را لعن و بدگویی می‌کنید، به طور کلی سخن بگویید نه به طور خاص (با ذکر نام) که فرزندانشان خشمگین شوند». (کلینی، ۱۳۶۲: ۷۰/۸) این ماجرا که در مصادر تاریخی نیز آمده است، (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۴۲/۱؛ واقعی، ۱۴۰۹: ۹۲۵/۳) بر رعایت ادب و نزاکت- هرچند مصلحتی- حتی نسبت به غیرمسلمانان تاکید دارد. بخاری در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «بزرگ‌ترین گناهان این است که فردی والدینش را لعن کند! عرض شد: یا رسول الله چگونه فردی

والدین خویش را لعن می‌کند؟! حضرت فرمود: فردی پدر دیگری را دشنام می‌دهد و او هم پدر و مادر این فرد را دشنام می‌دهد». (بخاری، ۱۴۱۰: ۶۹/۷ و سجستانی، ۱۴۱۰: ۵۰۷/۲) در این روایت، رسول خدا(ص) اشاره دارد که اگر کسی به مقدسات دیگران بی‌احترامی کند، عکس‌العمل این بدگویی و به تعبیری پیامد منفی آن، گریبان‌گیر خودش خواهد شد. علامه مجلسی حدیث مفصلی از مناظره پیغمبر اکرم(ص) با پنج گروه یهود، نصارا، دهریین، ثنویه (دوگانه‌پرستان) و مشرکان عرب ذکر کرده است. در این مناظره آن حضرت با رعایت ادب و احترام آنها را متقاعد به پذیرش اسلام می‌کند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۵۷/۹ به بعد). داستانی هم که شیخ صدوق از امام علی(ع) درباره بستانکاری یک یهودی از رسول خدا(ص) نقل کرده نیز از رفتار مسالمت‌آمیز و همراه با ادب و نزاکت آن حضرت با یکی از غیرمسلمانان یهودی حکایت دارد. بر اساس روایتی از امیرالمومنین(ع) شخصی متمول از یهودیان، از پیامبر(ص) تقاضا کرد بدهی خویش را به وی پرداخت کند، پیامبر(ص) اظهار کرد فعلاً پولی ندارد که بخواهد بدهی‌اش را بدهد. یهودی سماجت کرده و اعلام کرد تا وقتی پول خویش را نگیرد، از آن حضرت جدا نخواهد شد. پیامبر(ص) اظهار کرد در این صورت در کنار وی خواهد ماند. پیامبر(ص) نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و نماز صبح روز بعد را در کنار آن یهودی ماند. برخی از اصحاب رسول خدا(ص) آن یهودی را تهدید می‌کردند، به همین جهت پیامبر(ص) از ایشان خواست کاری به وی نداشته باشند. آنان به پیامبر(ص) عرض کردند: یک یهودی شما را زندانی کند؟ آن حضرت فرمودند: «خداوند مرا مبعوث نکرده که ستمی نسبت به معاهد و غیرمعاهدی داشته باشم». وقتی روز بالا آمد، آن یهودی شهادتین را بر زبان جاری کرد و خطاب به آن حضرت گفت: «من این کار را جز با هدف مشاهده عکس‌العمل شما انجام ندادم. چرا که من در تورات درباره شما خوانده بودم که ... شما شخصیتی تند و خشن، اهل داد و قال و ناسزا نیستید. من به وحدانیت خداوند و رسالت شما ایمان آوردم و اموال من هم در اختیار شما باشد!» (صدوق، ۱۴۰۰: ۴۵۶) این حدیث نشان می‌دهد، رسول خدا(ص) علاوه بر اینکه همواره از پیروان خویش می‌خواست که در بحث و گفت و گو با غیرمسلمانان از دایره ادب و نزاکت خارج نشوند، خود نیز این گونه بود و با همین اخلاق نیک و شایسته بود که موفق می‌شد، غیرمسلمانان را به دین اسلام فراخواند و مسلمان کند. در یک مورد پیامبر اکرم(ص) همسرش عایشه را که نسبت به یهود بدزبانی کرده بود، از این کار بازداشت و به وی فرمود: «یا عائشه ان الفحش لو كان ممثلاً لكان مثلاً سوء» ای عایشه اگر فحش به صورت انسانی متمثل می‌شد حتماً بد انسانی بود (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۲۶/۲).

۳-۲. رعایت ادب در برابر غیر مسلمانان در آموزه‌های امامان(ع)

امامان معصوم(ع) به عنوان اسوه‌هایی برای همه مسلمانان، پیروانشان را به رعایت ادب در برابر دشمنان و مخالفان و غیرمسلمانان فرخوانده‌اند و از دشنام‌گویی نهی کرده‌اند. آنان ضمن اینکه خودشان هیچ گاه اهل شتم و دشنام نبودند، به شیعیانشان نیز اجازه نمی‌دادند در برابر دشنام مخالفان، مقابله به مثل کنند. بدون شک رمز موفقیت آنان در جذب مخالفان که حتی در مواردی موجب اظهار علاقه غیرمسلمان به ایشان شده، در خوش‌زبانی و نهی از بدگویی به مقدسات آنان بوده است. در سیره امام علی(ع) غیرمسلمانان نیز شایسته محبت و لطف هستند و از بدرفتاری با آنان نهی شده است. (سید رضی، بی‌تا: نامه ۵۳) در سخنان آن حضرت بدگویی و بدزبانی، سنت و منش انسان‌های پست دانسته شده است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۳) امیرمؤمنان علی(ع) در یک مورد غلام خویش قنبر را از بدگویی نسبت به کسی که وی ناسزا گفته بود نهی کرد و پرهیز از بدگویی و بدزبانی را موجب خشم شیطان و رضایت خداوند معرفی کرد. (أمالی، ۱۴۱۳: ۱۱۸). امام باقر(ع) در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳) فرمود: «با مردم بهتر از آن سخن گویند که می‌پسندید با شما گفته شود، چرا که خداوند کسی را که بسیار اهل لعن، نفرین، طعنه به مومنان، ناسزاگو و بدزبان باشد را دشمن می‌دارد...» (صدوق، ۱۴۰۰: ۲۵۴؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۲). امام باقر(ع) در این جا اشاره دارد همان‌گونه که شما دوست دارید دیگران به نیکویی با شما سخن بگویند، شما نیز همان‌گونه و بلکه بهتر سخن بگویند. در یک مورد که فردی مسیحی به آن حضرت توهین کرد و به جای لقب «باقر» از لقب توهین‌آمیز «بقر» برای امام استفاده کرد و حتی مادر آن حضرت را نیز سیاه، بی‌شرم و بدزبان خواند! امام باقر(ع) با نرمی و ادب با وی رفتار کرد. حضرت فرمود: «اگر سخنانی که درباره مادرم گفتم، درست است، خداوند او را بیامزد و اگر دروغ است، خداوند تو را ببخشد». این رفتار کریمانه امام سبب شد آن مسیحی از سخنان خویش پشیمان شده و دین اسلام را بپذیرد. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲۰۷/۴) در این جا اگر امام باقر(ع) ادب را در برابر آن مسیحی رعایت نمی‌کرد و همانند خودش با وی سخن می‌گفت، چه بسا او سخنان بدتری بر زبان جای می‌کرد و البته مسلمان هم نمی‌شد. امام با این برخورد شایسته ضمن اینکه به آن مسیحی فهماند که در دین اسلام بدگویی و دشنام به دیگران جایگاهی ندارد، به هم‌کیشان خویش نیز نحوه برخورد با غیرمسلمانان را آموزش داد.

در سیره امام صادق(ع) نیز موارد متعددی وجود دارد که به خوش‌زبانی نسبت به غیرمسلمانان سفارش شده و از بدگویی نهی شده است. یکی از توصیه‌های امام صادق(ع) چنین است: «هر

کس به تو دشنام داد در پاسخش بگو: اگر درست می‌گویی من از خداوند می‌خواهم که مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی من از خداوند می‌خواهم که تو را ببخشد.^۱ تردیدی نیست که در این روایت تعبیر «هر کس» اعم از مسلمان و غیرمسلمان است. حضرت صادق (ع) در یک مورد ضمن توصیه به نیکو سخن گفتن به تمامی انسان‌ها اعم از مومنان و مخالفان، تاثیر مثبت چنین رفتاری را جذب شدن مخالفان به مومنان و حداقل مصون ماندن از شر و بدی آنان دانسته است. (منسوب به امام عسکری، ۱۴۰۹: ۳۵۳) آن حضرت حساسیت بسیار زیادی حتی نسبت به دشنام و ناسزا به غیرمسلمانان داشت. بر اساس نقلی آن حضرت به همراه یکی از دوستان بسیار صمیمی خویش در بازار حرکت می‌کردند. دوست امام صادق (ع)، خدمت‌کاری غیرمسلمان (سندی) داشت که پشت سر آنان در حال حرکت بود. وی که سه مرتبه به پشت سرش نگاه کرد و آن خدمت‌کار را ندید، در مرتبه چهارم به مادرش نسبت زنا داد و گفت کجا بودی؟ در این هنگام امام صادق (ع) دستش را بالا آورد و به پیشانی‌اش زد و گفت سبحان الله! مادرش را دشنام دادی؟ من فکر می‌کردم تو آدم با تقوایی هستی اما الان مشخص شد که این‌گونه نیست. دوست امام عرض کرد آقا مادر او سندی و مشرک است. امام فرمود هر امتی برای خویش ازدواجی دارند. از من دور شو! این اتفاق سبب جدایی همیشگی آنان شد. «... حَتَّىٰ فَرَّقَ الْمَوْتُ بَيْنَهُمَا» (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۲۴/۲). از این داستان چند نکته می‌توان برداشت کرد. اول اینکه در صدر اسلام برخی از مسلمانان خدمت‌کارانی غیرمسلمان داشتند. دوم اینکه نگهداری از چنین خدمت‌کارانی از منظر ائمه (ع) امری غیرشرعی و برخلاف آئین اسلام نبوده و در غیر صورت، امام صادق (ع) می‌بایست دوست خویش را از داشتن چنین خدمت‌کاری نهی می‌کرد. سوم اینکه بدرفتاری و بدزبانی با غیرمسلمانان از منظر امام صادق (ع) به قدری ناپسند بوده که آن حضرت به جهت این رفتار زشت، رشته یک دوستی طولانی و صمیمانه را به کلی قطع می‌کند. نکته چهارم اینکه از منظر امام صادق (ع) ازدواج مرسوم میان غیرمسلمانان صحیح است و کسی اجازه ندارد حتی یک مشرک را زن‌زاده بشمارد.

در سیره سایر امامان نیز مواردی هر چند اندک هست که ادب و احترام را نسبت به غیرمسلمانان رعایت کرده‌اند. به عنوان نمونه امام رضا (ع) در مناظره با پیروان سایر ادیان و مذاهب، سخنی که دال بر بی‌احترامی به آنان یا بدگویی و دشنام به آنان باشد، بر زبان جاری نکرد. آن حضرت به تعبیر اباصلت هروی تنها تلاش می‌کرد با پاسخ‌های منطقی و دقیق باورهای نادرست

۱. «وَمَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ: إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي؛ وَ إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ، وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْخَيْرِ فَعِدَّةُ النَّصِيحَةِ وَالرَّعَاءِ»

آنان را آشکار کند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۷۷/۴۹)

اندک مواردی که ائمه (ع) نسبت به دیگران بدگویی کرده‌اند و دشمنان خویش را به برخی از حیوانات توصیف کرده‌اند و یا آنان را به عنوان جنایت‌کار، فریب‌کار، بی‌غیرت، بی‌خرد، منافق، متکبر و ... خوانده‌اند، مواردی هستند که یا دشنام و توهین به شمار نمی‌روند، یا بیان امری واقعی می‌باشند و یا درباره افراد فاسق و فاجر بوده‌اند. (رک: اباذرپور و خرمی، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۸) تنها روایتی که در آن سفارش به سب و دشنام دادن شده، نسبت به اهل ریب^۱ و بدعت‌گزاران است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۷۵/۲) البته بسیاری از محققان و علما به همین روایت نیز ایراد گرفته و آن را از جهت محتوایی دارای اشکال می‌دانند. (اباذرپور و خرمی، ۱۴۰۰: ۱۰۷) اینان این روایت را در تعارض به آموزه‌های قرآنی و روایی می‌دانند و معتقدند پذیرش این روایت، مستلزم وهن دین و ترسیم تصویری نادرست از آموزه‌های اخلاق محور اسلام است. (پیروزفر و بهادری، ۱۳۹۵: ۵۵؛ میلادی و کریمی مفتاح، ۱۴۰۲: ۱۹۱ و ۲۰۳). شهید مطهری (ره) ضمن رد گمانه «هدف توجیه‌گر وسیله است»، اشاره‌ای هم به نادرستی روایت مذکور دارد. وی می‌نویسد: «عده‌ای آمده‌اند از این حدیث این‌طور استفاده کرده‌اند که اگر اهل بدعت را دیدید، دیگر دروغ گفتن جایز است؛ هر نسبتی می‌خواهید، به اینها بدهید، هر دروغی می‌خواهید ببندید؛ یعنی برای کوباندن اهل بدعت که يك هدف مقدس است، از این وسیله نامقدس یعنی دروغ بستن استفاده کنید، که این امر دایره‌اش وسیع‌تر هم می‌شود. آدم‌های حسابی هرگز چنین حرفی را نمی‌زنند. آدم‌های ناحسابی گاهی دنبال بهانه‌اند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰۳/۱۶). بسیاری دیگر از عالمان نیز از لزوم رعایت ادب در برابر غیرمسلمانان سخن گفته‌اند. در کلامی از مقدس اردبیلی آمده است: «مسلمانی که عقیده کافری را مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهد، فقط می‌تواند از «دلیل منطقی» علیه او استفاده کند. حق ندارد به او نسبت ناروا داده و او را قذف کند، حتی اجازه ندارد که زشتی‌های ظاهری و یا عیوب باطنی‌اش را موجب ناسزا قرار داده و به او خطاب کند: ای جزامی، ولو در واقع هم جزامی باشد، و یا او را کودن و پست بنامد! مسلمان حق ندارد به دین و آئین کفر او دروغ ببندد. زشتی‌ها و ایراداتی که در آن واقعا وجود ندارد، به آن نسبت دهد». (پیروزفر و بهادری، ۱۳۹۵: ۶۷)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم، همواره به رعایت ادب و خوش‌گفتاری سفارش کرده و همگان را از بدگویی نسبت به

۱. افرادی که در دین تشکیک ایجاد می‌کنند و با ایجاد شبهه مردم را به شک می‌اندازند.

عقاید و مقدسات غیرمسلمانان بر حذر داشته است. این کتاب آسمانی عکس‌العمل منفی مخالفان را نتیجه بدگویی نسبت به مقدسات آنان دانسته است. باید توجه داشت که این عکس‌العمل منفی چه بسا در مواردی به عکس‌العمل‌های تندتری چون قتل و کشتار نیز منتهی شود. در روایات رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) نیز همواره از دشنام و ناسزا به غیرمسلمانان و مقدسات آنان نهی شده است. از روایات آنان بر می‌آید که سب و شتم غیرمسلمانان و مقدسات آنان می‌تواند پیامدهای منفی را در پی داشته باشد. اندک روایاتی که در آنها نسبت به دیگران بدگویی شده، مصداق بی‌ادبی و دشنام در گفتار به شمار نمی‌روند. این موارد عموماً درباره افراد فاسق و فاجر به کار رفته‌اند و بیان امری واقعی به شمار می‌روند.

منابع

قرآن کریم.

۱. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی (بی‌تا)، نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: موسسه دارالهجره.
۲. آقائوری، علی (۱۳۸۸)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳. اباذریور، فاطمه و مرتضی خرمی (۱۴۰۰)، «واکاوی دشنام در کلام معصومان (ع)»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سیزدهم، شماره ۲۶، ص ۹۷-۱۱۰.
۴. ابن ابی الدنيا (۱۴۱۰)، کتاب الصمت و آداب اللسان، بیروت، دار الکتاب العربی.
۵. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین.
۶. ابن سید الناس، ابوالفتح محمد (۱۴۱۴)، عیون الاثر، أبو الفتح محمد بن سید الناس، بیروت، دار القلم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، المناقب، قم، علامه.
۸. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی‌تا)، الفهرست، بیروت: دارالمعرفة.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، صحیح بخاری، قاهره: وزارة الاوقاف.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۱۴. پیروزفر، سهیلا و محمدرضا بهادری (۱۳۹۵)، «بررسی سندی و متنی روایت مباحثه»، مطالعات فهم حدیث، شماره ۴، ص ۵۵-۷۵.
۱۵. جبّاران، محمدرضا (۱۳۸۳)، ازدواج با غیرمسلمانان، قم، بوستان کتاب.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۷. حسن بن علی، امام یازدهم (ع) (۱۴۰۹)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)، قم، مدرسة الامام المهدی (ع).
۱۸. خاتمی، احمد (۱۳۷۰)، فرهنگ علم کلام، تهران: صبا.
۱۹. درگاهی، مهدی (۱۳۹۹)، ماهیت و حکم توهین به مقدسات سایر مسلمانان، پژوهشکده حج و زیارت، سال پنجم، شماره ۱۰، ص ۲۷-۴۶.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. دهقان عقیفی، ناهید (۱۳۹۹)، سب و فحاشی در فقه با بررسی آیه ۱۰۸ سوره انعام، فصلنامه مطالعات قرآنی سال یازدهم، شماره ۴۳، ص ۱۶۳-۱۸۱.

۲۱. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰)، سنن ابی داوود، بی جا، دارالفکر.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۴)، الاعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۰)، امالی، بیروت: اعلمی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۸)، توحید، قم: جامعه مدرسین.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴)، عیون اخبار الرضا(ع)، قم، موسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مشهد، دانشگاه مشهد.
۳۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲ش)، حقوق اقلیت‌ها در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. قاضی أبو یوسف و یحیی بن آدم القرشی و ابن رجب الحنبلی (۱۳۹۹)، موسوعة الخراج، بیروت: دار المعرفه.
۳۳. قاضی عیاض (۱۴۰۹)، الشفا بتعريف حقوق المصطفی، بیروت، دار الفکر.
۳۴. قدامة بن جعفر (۱۹۸۱)، الخراج و صناعة الکتابه، بغداد، دار الرشید للنشر.
۳۵. قربانخانی، سمیرا و علی اسودی (۱۴۰۰)، «الگوی تربیتی قرآن کریم در مواجهه با مخالفان و دشمنان (مطالعه موردی آیه ۱۰۸ سوره انعام)»، نشریه دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۲۹-۳۸.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم، دار الکتاب.
۳۸. کلانتری ارسنجانی، علی اکبر (۱۴۱۶)، الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی، قم: موسسه نشر اسلامی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: اسلامیه.
۴۰. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶) عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار، تهران: اسلامیه.
۴۲. مرادی، میلاد و مهدی کریمی مفتاح (۱۴۰۲)، «تاملی در مقابله با اهل بدعت با استناد به روایت مباهته»، حدیث حوزه، سال چهاردهم، شماره ۲۶، ص ۱۹۱-۲۰۶.
۴۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، خاتمیت ختم نبوت، تهران، صدرا.

۴۵. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. واحدی، علی بن محمد (۱۴۱۱)، أسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۹. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی.